



چهار فصل

بهار، تابستان، پاییز و زمستان

نویسنده: شکوفه تقی

تصویرگر: پری سیما طاهباز - رؤیا مشعوف



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطبهای زیر کتاب منتشر می کند:

۱. گروههای سنی کودکان و نوجوانان:

گروه الف: سالهای قبل از دبستان.

گروه ب: سالهای آغاز دبستان (کلاسهای اول، دوم، سوم).

گروه ج: سالهای پایان دبستان (کلاسهای چهارم و پنجم).

گروه د: دوره راهنمایی.

گروه ه: سالهای دبیرستان.

۲. اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۴۳۰ ریال



چهارفصل

بهار، تابستان، پاییز و زمستان

برای گروه‌های سنی «الف» و «ب»

نویسنده: شکوفه تقی

تصویرگر: پری سیما طاهباز - رؤیا مشعوف

سخنی با بزرگ‌ها

در این کتاب سعی نشده است که برای کودکان شعر گفته شود. هدف، بیشتر، آشنایی بچه‌ها با گلها، میوه‌ها و رنگارنگی آنهاست. نویسنده کتاب، بیشتر به برداشت خود بچه‌ها از میوه‌ها توجه داشته است و از قافیه‌بازی و شعرسازی خود بچه‌ها مایه گرفته است.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

چهار فصل

نویسنده: شکوفه نظری

تصویرگران: پری سیدما طابعیاز، روپا مشعوف

چاپ اول، ۱۳۴۸

چاپ پنجم، ۱۳۷۳. تعداد: ۳۰۰۰۰ نسخه

تعداد چاپهای قبل: ۲۴۰۰۰۰ نسخه

چاپ: کانونچاپ

© کلیه حقوق محفوظ است.

تهران - خیابان استاد مطهری، خیابان نصر، شماره ۳۷

تلفن مرکز پخش ۸۸۲۶۳۲۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوب بچه‌های عزیزم! حاضر باشید تا کتاب چهار فصل را با هم شروع کنیم:

چطور شروع کنیم بهتر است؟

من می‌پرسم شما جواب بدهید!

خوب! آماده!

۱. اگر گفتید یک سال چند فصل دارد؟

— چهار فصل!

۲. بگویید بینم اسم فصل‌های سال چیست؟

— بهار، تابستان، پاییز، زمستان

۳. چه فرقی بین بهار و پاییز، تابستان و زمستان وجود دارد؟

جواب این سؤال را خودتان در کتاب پیدا کنید.



یخ زمین
نرم می شود.

کم کم هوا
گرم می شود

بر کوه و دشت
باغ و صحرا



بهار

خورشید خانوم
تابید هر جا

بهار آمد!
شاد و زیبا

بر پا بر پا!
برخیز از جا



بنفشه های شادِ شاد
سر می کشند دنبال باد.



هزارهزار
سنبل پاک

می روید از
سینه خاک



لادنِ خوشبوی قشنگ
کُند زمین را رنگارنگ.



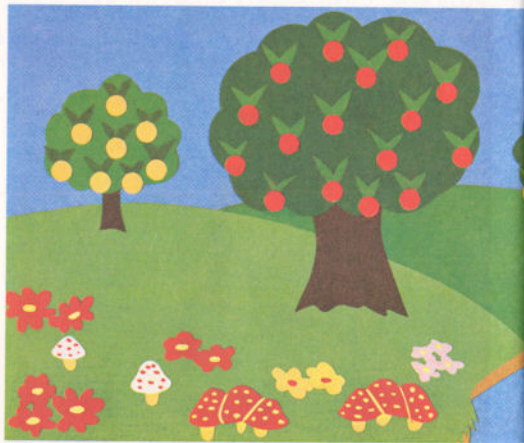
شکوفه شاد و بی قرار
می خواند آوازِ بهار.



توت فرنگی بلا
رقصد به روی بونه‌ها .

بونه کوچک ناز
می خواند هر دم آواز:

خالق ما تو هستی
خالق پاک هستی .



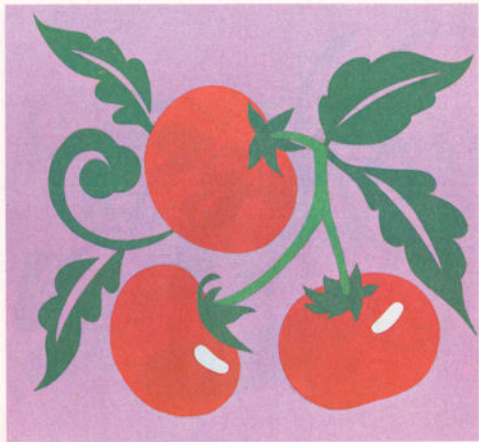
درخت شود پُرزبار
میوه دهد بی شمار

شود هوا داغ داغ
خورشید بنابد به باغ



مرغ بهار وقتی برید
نوبت به تابستان رسید

شود زمین رنگ رنگ
چشمه درآید از سنگ



گوجه فرنگی
چه قدر فشنگی!



بچه ها زدند - تیره آبالو
آبالو خورده - تیر دو قلو



خیار سبز گُل به سر
بیدار شده وقت سحر.



زمین شده چاک چاک چاک
تر بچه سر زد از خاک



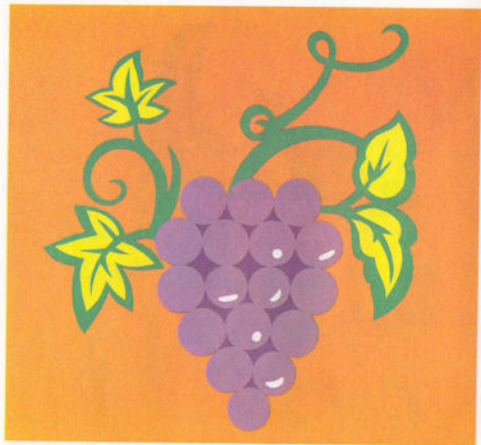
کدوی جاق خيله
هی می کند دهن دره،

راستی که خیلی تنبله.

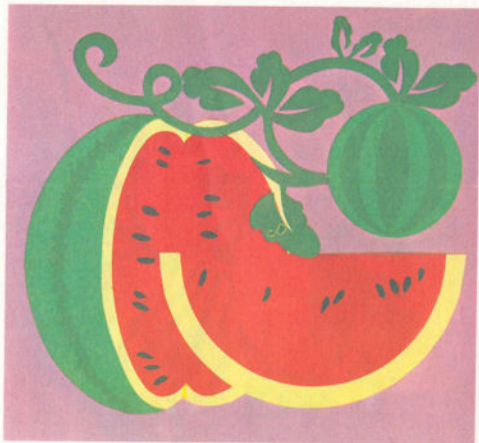


کوکب زیبای فشنگ
فرش زمین را کرده رنگ.

بچه ها رنگ
بچه ها رنگ



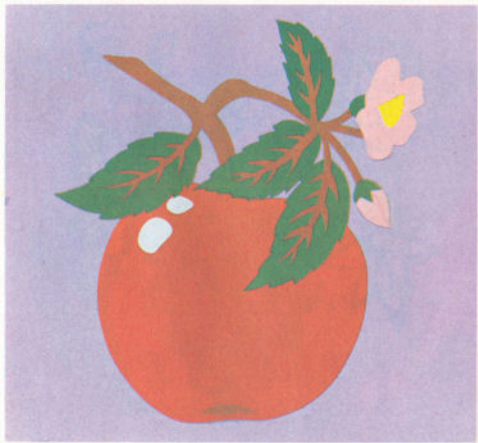
خوشه شاد انگور
چه می درختی از دور



هندوانه خیکی!
نخندی بترکی!



آفتابگردان که بشکفت
خورشید به او سلام گفت



سیب فشنگ تیلی
دارد دو تا لب گلی.

باز که شکفت
خورشید به او سلام گفت



گل سرخ فشنگ شاد
می رقصد با آواز باد:

دو چشم خود را باز کنید
بر خالقم نماز کنید.



پاییز

تن زمین سرد می شود
سبز و سرخ و زرد می شود.

برگ زرد درختها
می ریزد از شاخه ها

پاییز رسیده این جا
با کوله بار سرما

خواند، کلاغ، قارقار
من با شما دارم کار



زالزالک شاد و قشنگ
نشسته بر شاخه و برگ



میخک بخندد به ناز
پاییز گردد آغاز

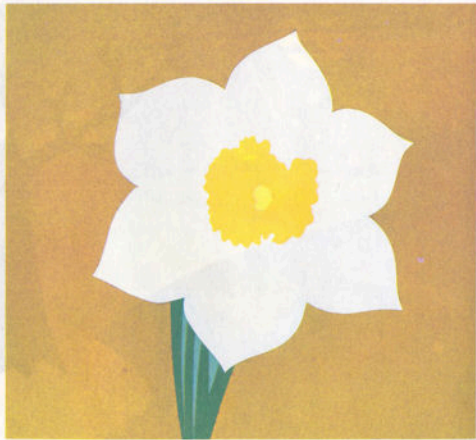


خوب می‌رسد
رو شاخه‌ها.

خرمالو بلا
نُنگ طلا



انار سرخ تاج گلی
دارد هزار تا مرواری



نوبت به سرما رسیده
رنگ از روی گل پریده.

گرما شده روانه
از باغ و از کاشانه.

نرگس خانوم غمگین
رفته تو فکر زمین.



داوودی نازنازی
نکرده هیچی بازی.



زمستان

زردی پاییز که پرید
پیر زمستانی رسید

بارید بارید به هر جا
باران و برف و سرما

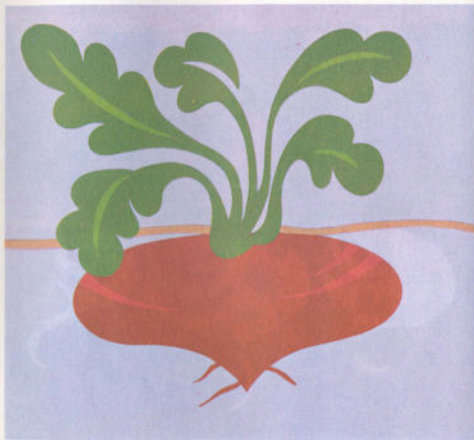
لالا لالا درخت ها
بخوابید زیر برف ها.



ازگیل پُرزهسته
بر شاخه‌ها نشسته



لیموشیرین بیدار باش
دوای هر بیمار باش.



چغندر شکمو!
قند می شوی یا لبو؟



سلام، سلام! پرتقال
خوش آمدی از شمال.



گل یخ نازنین
چقدر فشنگه بین!



نوبت به شلغم رسید
که مثل برف هست سفید.

چند روز دیگر از دور
آید صدای شیور.
می رسد از ره بهار
داد می زند: «خبردار!»
صدا می آید: «بر پا!»
موقع کار است حالا.
زنده شوید پس از مرگ
بپوشید جامه برگ.
آهای درخت مرده
از سرما خوابت برده؟
از قدرت خداوند
همراه گریه ابره
بزن به دنیا لبخند
بزن به دنیا لبخند.»